

تصور کنید متفکری کتابی را ترجمه کند و بعد از حدود ۱۰۰ سال آن کتاب مجدد ترجمه شود. و باز طی چند سال بعد سه ترجمه دیگر از آن کتاب عرضه شود. احتمالاً در این صورت می‌توان نتیجه گرفت که آن مترجم سنجیده انتخاب می‌کرده و آن کتاب، کتاب ارزشمندی است. در واقع، طالبوف چنان مترجمی است و تأملات چنان کتابی.

درباره مترجم

عبدالرحیم بن ابوطالب نجار تبریزی (۱۲۵۰ - ۱۳۳۰ ق)، معروف به طالبوف، از متفکران شاخص دوره مشروطه است. او بخشی از عمر خود را خارج از ایران زیست. در ابتدا در خدمت یکی از تجار بود و به تدریج مستقلاً به تجارت پرداخت. آثار او را چنین شمرده‌اند: ترجمه پندنامه مارکوس کیصر روم (استانبول ۱۳۱۰ ق)؛ نخبه سپهری (خلاصه نسخ التواریخ؛ استانبول ۱۳۱۰ ق، تهران ۱۳۲۲ ق)؛ کتاب احمد یا سفینه طالبی (۲ جلدی، استانبول ۱۳۱۱ ق)؛ رساله فیزیک (استانبول ۱۳۱۱ ق)؛ ترجمه رساله هیئت جدید از کامیل فلاماریون (استانبول ۱۳۱۲ ق، تهران ۱۳۱۲ ش)؛ مسالک المحسنین (قاهره ۱۳۲۳ ق)؛ مسائل الحیات (تفلیس ۱۳۲۴ ق)؛ ایضاحات در خصوص آزادی (تهران ۱۳۲۵ ق)؛ سیاست طالبی (تهران، ۱۳۲۹ ق).^۱

افراد مختلفی که درباره طالبوف نوشته‌اند، به علاقه و توجه او به علوم جدید توجه داده‌اند، چنانکه در آثارش نیز چنین امری مشهود است. نکته جالب آن است که او در کنار جدی گرفتن علوم طبیعی جدید، به سنت فلسفی غرب نیز به جد نظر کرده است. بنابراین نباید ترجمه اثر مارکوس اورلیوس را اتفاقی دانست، چه اینکه او در کتاب احمد نیز متأثر از ژان ژاک روسو است. به نوشته آدمیت، او به ولتر (۱۶۹۴ - ۱۷۷۸) و ژان ژاک روسو (۱۷۱۲ - ۱۷۷۸) که فرانسوی‌اند، جرمی بنتام (۱۷۴۸ - ۱۸۳۲) که انگلیسی است، و ایمانوئل کانت (۱۷۲۴ - ۱۸۰۴) و فردریش نیچه (۱۸۴۴ - ۱۹۰۰) که آلمانی‌اند توجه داشته است. در عین حال، «همان اندازه که اخذ اصول تمدن جدید را واجب می‌شمرد، کژی‌ها و کاستی آن را می‌شناسد و بر «تقلید مضحک» انتقاد سخت دارد.»^۲ با این حساب، به نظر می‌رسد او دست کم درجه‌ای از دیگر متفکران دوران مشروطه که صرفاً مقتون علوم طبیعی جدید شده بودند، عمیق‌تر اندیشیده است.

درباره کتاب

ترجمه پندنامه مارکوس کیصر روم^۳ ترجمه کتابی است از مارکوس اورلیوس (۱۲۱ - ۱۸۰ م) که عنوان آن در انگلیسی به *Meditations* برگردانده می‌شود. مارکوس اورلیوس از چهره‌های شاخص رواقی است و معمولاً در کنار اپیکتتوس از او یاد می‌شود: اپیکتتوس که زمانی برده بود و مارکوس اورلیوس که در منصب امپراطوری قرار داشت.

تأملات دارای دوازده کتاب (فصل) نوشته شده است. مطالب به صورت فقره‌های کوتاه و بلندی هستند که در اصل به زبان یونانی نوشته شدند. این فقرات ترتیب چندان مشخصی ندارند. کتاب‌های مختلف نیز نظم و نسق مشخصی ندارند. مارکوس اورلیوس به تفاریق و صرفاً برای خویش این مطالب را نوشته است، چنانکه اسقف آرتاس^۴ از آن به عنوان «نوشته‌هایی [به خودش]»^۵ یاد کرده است.^۶ در واقع،

یک قرن تقدّم

ترجمه طالبوف از تأملات مارکوس اورلیوس

سید محسن اسلامی*
sm.eslami@yahoo.com

مارکوس اورلیوس تربیتی رواقی داشته و با خواندن این اثر می‌توان تلاش فردی را دید که می‌خواهد رواقی‌وار زیست کند. او نوشته‌های اپیکتتوس را خوانده است. به علاوه، از نقل قول‌های گاه به گاه از اپیکور، دموکریتوس، هراکلیتوس، هومر، و افلاطون می‌توان به آشنایی او با این شخصیت‌ها پی برد.^۷

هدف و شیوه طالبوف

برخی درباره این اثر گفته‌اند: «آن ترجمه کاری تفتن آمیز است. اگر متن یکی از آثار سیاسی جدید را ترجمه کرده بود، فایده‌مندتر بود.»^۸ با این حال، طالبوف درباره ترجمه‌اش می‌گوید: «ترجمه این پندنامه که ما او را بنا به اقتضای وقت از وظایف مقدسه، وطن‌پرستی می‌دانیم. در انتظار مؤدبین بی‌موقع نخواهد بود و درجه قبول خواهد یافت.»^۹ هدف او «خدمت به بزرگان ملت خود» بوده است.^{۱۰} طالبوف در آغاز کتاب توضیح می‌دهد که گذشته از صورت کلام، در واقع تأثیر و قوت کلام «به شخص متکلم راجع است، نه به صورت کلام» و با این توضیح که دو عنصر مهم در این امر دخیل است: «شدت تأثیر و انفعال نفس متکلم» و «علویت موقع خداوند سخن». با احتساب این دو نکته او به ترجمه این اثر پرداخته است.^{۱۱}

توضیح او درباره سرشت کتاب چنین است که این اثر «روزنامه مارکس اوریل ایمپراتور روم است که برای تنبیه نفس و مکاشفه باطن خود مرقوم داشته، نه برای انتشار و جلب انظار نگاهشده.» او مطالبی را نوشته «تا به واسطه تذکره آنها خویشتن را به التزام ملاحظه و تعریف حد تقاضای وظایف زندگی ایام معدوده تیغز و تنبیه نماید.»^{۱۲} آنچه طالبوف جانمایه کتاب می‌داند همان است که در صفحه اول کتاب، ذیل عنوان، ذکر کرده است: «فکرکات مارکو اوریل انتانس در اینکه برای خودی خود لازم‌تر از همه چیست.»

او اهمیت و ارزش متن را چنین شرح می‌دهد: «هزار و هفتصد و اند سال قبل از این که از تحدید حقوق غیرمشروع سلاطین، بلکه از تسویه بعض حالات و خیمه آنها احدی قدرت تکلم نداشت. این پادشاه عادل و فیلسوف کامل و پاک دل از نشر عدل و داد، و مراعات مساوات، و درستی قول، و نیکویی عمل، و اجرای قانون تمدن اثری در عالم گذاشت که امروز باید سر مشق عالمی و میزان عمل مدعیان تمدن و انسانیت و آدمی اواخر مائه نوزدهم بشود.»^{۱۳} همچنین، طالبوف در عظمت صاحب اثر می‌افزاید که در دوران او آدمیان در «درجه کمال استفاضه سعادت اطمینان مال و جان و شرافت و آزادی و عدل و برکات صلح و سلم داخله و خارجه بودند.»^{۱۴} طالبوف به توضیح منطق خود در ترجمه می‌پردازد و می‌نویسد: «چون ترجمه تحت اللفظ با منطقیات زبان فارسی از السنه خارجه به جهت ضیق کلمات و فقدان اکثر لغات اشکالات زیاده دارد؛ لهذا درین ترجمه دو منظور مهمه همیشه ملاحظه خواهد شد. یکی مهما امکان حفظ حالات کلام و دیگری حکمت او.»^{۱۵} همچنین در جای دیگر تأکید می‌کند که کوشیده نثری مفهوم و روشن به دست دهد و کتاب را «به عباراتی بسیار ساده آنها را از روسی به پارسی در آوردم.»^{۱۶}

از ویژگی‌های ترجمه طالبوف

چنانکه در آغاز اشاره شد، گذشته از ترجمه طالبوف، کتاب مارکوس اورلیوس دست‌کم چهار بار به فارسی ترجمه شده است. مشخصات آن ترجمه‌ها از این قرار است:

۱. اندیشه‌ها، ترجمه غلامرضا سمعی، بابل: کتابسرای بابل، ۱۳۶۹ ش.

۲. تأملات، ترجمه عرفان‌ثابتی، تهران: انتشارات ققنوس، ۱۳۸۴ ش.

۳. تأملات، ترجمه مهدی‌باقی و شیرین مختاریان، تهران: نشر نی، ۱۳۸۴ ش.

۴. تأملات، ترجمه مرضیه خسروی، تهران: انتشارات روزگار نو، ۱۳۹۱ ش.

در این مختصر، برای آنکه برخی نکات درباره ترجمه طالبوف روشن‌تر شود، از ترجمه عرفان‌ثابتی - که ترجمه‌ای روشن، مفهوم، و به اندازه کافی پایبند به اصل است - کمک می‌گیرم و این دو ترجمه را از جهاتی مقایسه می‌کنم.

به نظر می‌رسد ترجمه طالبوف، به رغم قدیمی بودن، از جهاتی به ترجمه جدیدتر برتری دارد. نکته نخست درباره مشخصات متنی است که ترجمه شده است. در صفحه اول ترجمه طالبوف چنین آمده است: «از زبان یونان به روس ترجمه پرنس (اوروزوف) از روسی به فارسی ترجمه بنده خاکسار عبد الرحیم ابن ابو طالب تبریزی.» اما در ترجمه دیگر صرفاً در شناسنامه سال چاپ متن انگلیسی (۱۹۶۴) ذکر شده و در صفحه بعد چنین آمده است: *Meditations / Marcus Aurelius / Great Ideas* (که احتمالاً یعنی این اثر در مجموعه *Great Ideas* منتشر شده است). در صورتی که با توجه به جدیدتر بودن این ترجمه، انتظار می‌رود مشخصات دقیق ناشر و مترجم ارائه شود.

ویژگی دوم ترجمه طالبوف توضیحات پیش از متن است. او در بخش «افاده مخصوصه» نکاتی درباره صاحب اثر و محتوای متن می‌گوید و پیش از شروع متن نیز حدود سه صفحه درباره آن توضیح می‌دهد. در پایان توضیحات نیز تصریح می‌کند که «بعد از این شروع به ترجمه خود کتابچه می‌نمایم.»^{۱۷} اما در ترجمه دیگر، جز توضیحی چند سطر که در پشت جلد، هیچ توضیحی درباره مؤلف و متن نیست. ویژگی سوم ترجمه طالبوف حاشیه و توضیحات است. مضافاً بر اینکه متن دارای حواشی (درباره شخصیت‌ها و مفاهیم و غیره) بوده و



طالبوف به ترجمه آنها پرداخته، گاه خود او نیز توضیحاتی را ارائه کرده است. برای مثال، در پانوشت ص ۱۱. در این موارد پانوشت با قید «(مترجم)» از توضیحات متن اصلی متمایز گذشته است.^{۱۸} ترجمه دیگر نیز دارای چنین توضیحاتی است، هم از متن اصلی و هم افزوده مترجم. از طرف دیگر، در همان صفحه عنوان ترجمه طالبوف آمده است که «از فصل چهارم تا دوازدهم چند شماره بعضی برای اجتماب اطناب تکرار مطالب گذشته و بعضی برای آنکه امتداد ایام آن مضامین را از حیز انتفاع عصر حالیه وضع نموده ترجمه نشده.»^{۱۹} این تغییرات گاه چشم گیر است. در جدول زیر تعداد فقرات ترجمه طالبوف و ترجمه دیگر (که چیزی در آن حذف نشده است) مقایسه می شود:

	۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸	۹	۱۰	۱۱	۱۲
فقرات در اصل	۱۷	۱۷	۱۶	۵۱	۳۶	۵۹	۷۵	۶۱	۴۲	۳۸	۳۹	۳۶
فقرات در طالبوف	۱۶	۱۰	۱۱	۲۶	۱۷	۲۸	۴۰	۴۱	۲۳	۲۴	۲۱	۲۱

چنانکه معلوم است، تفاوت تعداد فقره ها در چهار فصل اول نیز دیده می شود. به علاوه، به نظر می رسد در مواردی در عین حفظ فقره، بخش هایی از آن حذف شده است. گاه نیز دو فقره با یکدیگر ادغام شده اند. باری، مواردی از این دست ممکن است به متن در دسترس طالبوف مربوط باشد.

حال، برای بررسی نثر، نمونه هایی از کتاب دوازدهم نقل می شوند.

فقره ۴ از کتاب دوازدهم	
ترجمه طالبوف	ترجمه ثابتی
«من گاهی از خود سؤال می کنم که حالت آن کس که خود را از همه بیشتر دوست دارد چه طور است. و رأی دیگران در حق خود از رأی خویشتن بیشتر قیمت می کند چه گونه است. هر گاه حکیمی یا خود خداوند آدم را مجبور نماید که همه نیات خود را در آن تولید اراده عاقله به آواز بلند بگوید هیچ مخلوق یک روز طاقت این صعوبت را نیاورد. پس اشخاصی که حرکات سیئه خود را فقط در نزد دیگران موجب انفعال می دانند نه در نزد خود، آنها کسانی هستند که رأی دیگران را در حق خود به رأی خود ترجیح می دهند.» ^{۲۰}	«اغلب از این امر در شگفت می مانم که هر انسانی با آن که خود را بیش از دیگران دوست دارد، به عقاید دیگران درباره خودش بیش از عقیده خود درباره خویشتن اهمیت می دهد. مطمئناً اگر خدایی یا مشاور فرزانه ای به او فرمان دهد که هر فکر و قصدی را که به قلبش خطور می کند بی درنگ علنی سازد، حتی یک روز هم این حالت را تحمل نخواهد کرد. بنابراین، ما به قضاوت دیگران درباره خودمان بسیار بیشتر از قضاوت خویش درباره خودمان اهمیت می دهیم.» ^{۲۱}
ملاحظه: (۱) با توجه به ترجمه های انگلیسی، به نظر می رسد ترجمه ثابتی درست تر است. ترجمه طالبوف گویی به خودخواهی اشاره دارد، اما بحث در حب ذات است. (۲) ترجمه طالبوف یک جمله بیشتر دارد.	

طالبوف درباره ترجمه اش می گوید:
«ترجمه این پندنامه که ما او را بنا به اقتضای وقت از وظایف مقدسه، وطن پرستی می دانیم. در انتظار مؤدبین بی موقع نخواهد بود و درجه قبول خواهد یافت.» هدف او «خدمت به بزرگان ملت خود» بوده است.

فقره ۶ از کتاب دوازدهم	
ترجمه طالبوف	ترجمه ثابتی
«آنچه در بادی امر مجال می نماید متدرجاً به واسطه عادت نیل او ممکن است. دست چپ چون معتاد نیست در هیچ کار عمل دست راست را به سهولت نمی تواند مگر در گرفتن جلو اسب که چون معتاد است از دست راست بهتر حرکت می کند.» ^{۲۲}	«از تمرین دست بر مدار، حتی وقتی امید موفقیت نداری. دست چپ، که بر اثر عدم تمرین از دیگر کارها عاجز است، عنان اسب را بسیار محکم تر از دست راست در اختیار می گیرد، زیرا در این کار تمرین داشته است.» ^{۲۳}

فقره ۳۲ از کتاب دوازدهم	
ترجمه طالبوف (فقره ۲۰)	ترجمه ثابتی
«ایامی که از زمان بی انتها برای آدمی قسمت رسیده خیلی قصیر است، زود می گذرد و مسروعاً در قدمت نابود گردد، در اکثر ما مبادی روحانی زیاد کم است چمنی که هر کس در وی چادر زندگی خود را زده بسیار تنگ است. در این تفکر دریاب که در حیات چیز کبیری جز حرکات مطابق قانون عقل و طبع و تبعیت قانون عمومی عالم خلق نیست. این مسئله که نفس تو معترف این تبعیت بوده یا نبوده برای تو مسئله موت و حایت است و غیر از این همه خاکستر و دود است.» ^{۲۴}	«چه سهم کوچکی از زمان بی نهایت به هر یک از ما اختصاص دارد؛ زمانی آن قدر ناچیز که در یک لحظه در ابدیت محو می شود. چه مقدار اندکی از کل ماده جهان به تو تعلق دارد، چه سهم ناچیزی از کل روح جهان داری؛ بر روی چه نقطه کوچکی از سطح زمین می خزی. وقتی به این امور می اندیشی، دریاب که چیزی جز عمل بر وفق طبیعت، و تحمل آنچه طبیعت جهان برایت مقدر می سازد مهم نیست.» ^{۲۵}
ملاحظه: جمله آخر در ترجمه طالبوف از فقره بعدی است. در واقع، فقره ۲۰ در ترجمه طالبوف تقریباً معادل فقرات ۲۲ و ۳۳ در ترجمه ثابتی است.	

جمع‌بندی

نفس ترجمه این کتاب گرانسنگ در حدود ۱۲۰ سال پیش امر مبارکی به نظر می‌رسد. ترجمه طالبوف از جهات مختلف برآورده شروط ترجمه مناسب است: مقدمات پیش از متن، ارائه مشخصات متن اصلی، و حواشی و توضیحات از جمله نکات مثبت این ترجمه‌اند. اگرچه ترجمه طالبوف برای ارجاع در متون علمی، به سبب حذف برخی فقرات و واسطه زبان روسی، گزینه مناسبی نیست، مایه‌های اصلی و روح سخن مارکوس اورلیوس در آن حفظ شده‌اند و برای آنانکه نثری کهن‌تر را می‌پسندند تجربه خوشاندی تواند بود. سرانجام آنکه پیشگامی و خوش‌طبعی طالبوف ستودنی است.

پی‌نوشت‌ها

* دانشجوی کارشناسی ارشد فلسفه اخلاق، دانشگاه قم.

۱. «عبدالرحیم بن ابوطالب نجار تبریزی (طالبوف)»، در ضمیمه نامه فرهنگستان، زمستان ۱۳۸۷، شماره ۳۵، صص ۳۷-۴۴. در فریدون آدمیت در بخش اول اندیشه‌های طالبوف تبریزی (تهران، دماوند، ۱۳۶۳) این فهرست را آورده و درباره هر اثر توضیحی مختصر داده است.

۲. اندیشه‌های طالبوف تبریزی، ص ۴.

۳. پندنامه مارکوس قیصر روم، مارکوس اورلیوس، ترجمه عبدالرحیم ابن ابوطالب تبریزی، اسلامبول: مطبعه اختر، ۱۳۱۰ق.

4. Bishop Arethas.

5. The [writings] to himself.

6. Kamtekar, Rachana, "Marcus Aurelius", *The Stanford Encyclopedia of Philosophy* (2010 edition), Edward N. Zalta (ed.), URL = < <http://plato.stanford.edu/entries/marcus-aurelius/>>, section 1.1.

7. Ibid., section 1.

۸. اندیشه‌های طالبوف تبریزی، ص ۷.

۹. پندنامه، افاده مخصوصه، ص ۴. (در نقل قول‌ها از طالبوف رسم الخط تغییر کرده است، تغییراتی نظیر جدانویسی «به» از کلمات بعد از خود.)

۱۰. همان، ص ۴.

۱۱. همان، ص ۲.

۱۲. همان، ص ۴.

۱۳. همان، ص ۵.

۱۴. اما ظاهراً بخش عمده حکومت مارکوس اورلیوس همزمان با دورانی است که جنگ‌های زیادی اتفاق افتاده است، تا جایی که گفته می‌شود عمده فقراتی که او نوشته است در طول حضور او در جنگ‌ها بوده است. از این رو، به لحاظ تاریخی سخن طالبوف چندان درست به نظر نمی‌رسد.

۱۵. همان، ص ۶.

۱۶. همان، ص ۴.

۱۷. همان، ص ۶.

۱۸. با این حال، در مواردی نظیر ص ۴۱ با اینکه پاورقی از مترجم است قیدی در انتهای آن نیامده است و ممکن است دلیل آن آشکار بودن این امر (به سبب نقل آیه و قرآینی از این دست) باشد.

۱۹. و بلافاصله بعد از نوشته شده است: «به اذن نظارت جلیله معارف».

۲۰. همان، ص ۹۲.

۲۱. تأملات، ص ۱۵۰.

۲۲. پندنامه، صص ۹۲-۹۲.

۲۳. تأملات، ص ۱۵۱.

۲۴. پندنامه، ص ۹۵.

۲۵. تأملات، ص ۱۵۷.

پندنامه
مارکوس اورلیوس
قیصر روم

تفکرات مارکو اوریل انتائیس
در اینکه

برای خودی خود لازم‌تر از همه چیست

از زبان یونان بروس ترجمه پرنس (اوروزوف) از روسی به فارسی
ترجمه بنده خاکسار عبد الرحیم ابن ابوطالب تبریزی در (۲۵)
شعبان (۱۳۱۰) مطابق دویم مارت (۱۸۹۳) میلادی شروع و ۱۲ شوال
مطابق ۱۷ ابریل همین‌سال باتمام رسید.

حالا وقت نیست تشخیص صورت انسانیت صاحبان نفس قوی را
بکنیم، وقت است فی‌الواقع چنان باشیم (فصل پنجم شماره یازدهم)

از فصل چهارم تا دوازدهم چند شماره بعضی برای اجتناب از تکرار مطالب گذشته و بعضی برای آنکه امتداد ایام آن مضامین را از حین
انتفاع عصر حالیه وضع نموده ترجمه نشده.

باین نظارت جلیله معارف

اسلامبول

در مطبعه [اختر] چاپ شده